

آیا تلاش تازه مکرون برای گشودن پنجره تازه ای برای مذاکره بین ایران و آمریکا شانس موفقیت دارد؟

در ادامه کوشش آبه نخست وزیر ژاپن برای هموار کردن راه مذاکره بین دو طرف در جهت کاستن و حل بحران منازعات ایران و آمریکا و البته ناکامی وی پس از آن که برای رژیم ایران روشن شد حامل هیچ پیشنهادی امتیاز مشخص در جهت گشودن تنگناهای تحریم های حداکثری نیست؛ این بار مکرون و اروپا وارد میدان شده اند. آنها بجای فعال کردن ماشه هسته ای در پی کاهش تعهدات برجامی رژیم ایران که قبلا نسبت به آن هشدار داده بودند و جز در راستای دوقطبی کردن بحران ایران و آمریکا نبود، بر آن شدند که اکنون لازم است تلاش های خود را حول کنترل بحران و حفظ برجام که از نظر آنها برای اروپا و جهان حیاتی است متمرکز کنند. هدف مکرون گشودن راهی برای خروج از بن بست خطرناک کنونی است که در آن قاره سبز آسیب پذیرتر از دیگران است. اروپا که مخاطب اصلی تهدیدها و اولتیماتوم های زمان بندی شده حکومت ایران هم است، برای خودش محرز شده که بدلیل تحریم های ثانویه آمریکا و پیوندهای اقتصادی عمیق اش، بل آنسوی اطلانتیک قادر به نجات برجام از طریق فعال کردن سازوکار مالی که مستلزم گشایشی در فروش نفت و کانال های بانکی است نیست. از سوی دیگر با توجه به وضعیت و شرایط کنونی که در آن رویکردتهاجمی تهران و تردید و سرگردانی دولت ترامپ در واکنش به آن به دلیل تبعات خارج از کنترلش و اختلافات درونی مشاوران و هیأت دولت خود هست، و کسانی چون مایک پنس از آن به عنوان خویشتن داری دولت آمریکا نام می برند و به دولت ایران هشدار می دهند که نسبت به آن مرتکب سوء تعبیرنشوند، امانوئل مکرون شرایط را برای گشودن راهی به جلو برای مذاکره مناسب یافته است و بر همین پایه تلاش متمرکز را در دستور کار دیپلماسی فرانسه (و البته به نیابت از اروپا) قرار داده است:

این تلاش از یکسو در صحبت با ترامپ برای جلب توافق وی جهت میانجیگری و از سوی دیگر با روحانی در یک گفتگوی یکساعته صورت گرفته است که طبق آن روحانی علیرغم خروج آمریکا از برجام برای نخستین بار با گفتگوی با آمریکا در قالب ۱+۵ به شرط لغوتحریم ها (اگر آن را رمززدائی کنیم به معنی کاهش در تحریم صورت گرفته است) موافقت کرده است و عراقچی در کنفرانس سه نفره اخیر در همین رابطه اظهار داشته است که گرچه آمریکا از برجام خارج شده است اما در شرایطی که تحریم ها را لغو کند می تواند مجدداً به مذاکرات برگردد. آنچه که از مفاد صحبت های مکرون با روحانی روشن می شود وعده ای است که به روحانی داده مبنی بر تلاش برای

کاهش فشارهای حداکثری اقتصادی آمریکا (لغو بخشی از تحریم ها مثل دوره ما قبل از لغو مجوز ۸ کشور خریدار نفتی و نظایر آن). بنابراین، مصداق مشخص لغو تحریم ها برای شروع گفتگو در همین حدود و دهاست که باید به عنوان مبنای آغاز مذاکرات فرضی باشد. نا گفته نماند که دولت ترامپ نشان داده است با شروع فعالیت انتخاباتی خود و در حالی که مشغول مذاکره با طالبان برای خروج از افغانستان است و البته وعده های انتخاباتی خود تا آن جا که می تواند مایل به ورود جنگی تازه در خاورمیانه و با ایران که معلوم نیست چه ابعاد و پی آمد خواهد داشت نیست. در حقیقت برگ برنده مکرون و در تفاوت با تلاش آبه این بار ظاهر آن است که می خواهد با دست باصطلاح پر یعنی با هویجی به یک دست و البته چماقی بدست دیگر یعنی همان تحریمی که وجود دارد وارد میدان شود (اگر که فی الواقع ترامپ واقعا به او این اجازه را داده باشد و یا اگر داده باشد زیرش نزند که همواره امکانش وجود دارد).

در همین رابطه مکرون در همان گفتگو با روحانی از وعده تمرکز ۹ روزه برای پیگیری برای این طرح سخن به میان آورده و سریعاً نیز مشاور خود را روانه ایران کرده است که فردا با شمعخانی دیدار و گفتگو خواهد داشت

بهر حال باید دید که آیا پنجره ای برای مذاکرات و کاهش تب بحران ولو به شکل موقت ایجاد خواهد شد یا نه؟ آن چه که در این میان قابل توجه است سکوت تاکنونی خامنه ای و سرداران و مقامات اصول گرا پیرامون این طرح و مذاکرات است که احتمالاً منتظر نتیجه مقدماتی آن هستند. البته نباید فراموش کنیم که از دو طرح و سناریوی حداقلی و حداکثری رژیم، سناریوی نخست و حداقلی آن در مقابله با بن بست برجام و فشارهای حداکثری و بی وقفه دولت آمریکا در سه مؤلفه اصلی توسط به کاهش تعهدات برجامی و توسط به حربه تهدید کاهش زمان گریز هسته ای (افزایش غنی سازی وسایر ملحقات آن)، ناامن کردن صدور نفت و تنگه هرمز و دریای عمان، و عملیات نیابتی در منطقه از عراق تا یمن و... است در درجه اول با هدف تقویت قدرت چانه زنی بهادرفته و تغییر معادله باخت باخت کنونی است و نیز ضمن کاستن از فشار سنگین و بسیار فرساینده اقتصادی خرید زمان برای انتظار کشیدن سرنوشت ترامپ در پایان دوره اول ریاست جمهوری... البته دوره پرتپ و تابنی است که حکومت اسلامی در عین حال آن را فرجه مناسبی برای رویکردهای تهاجمی خود جهت کاهش فشارها می داند. نهایتاً باید گفت که رژیم ایران در شرایطی نیست که اگر واقعا پنجره ای برای کاهش

تحریم‌ها گشوده شود، از آن استقبال نکند. خودرژیم هم می‌داند که در صورت شکست سناریوی اول و ورود به سناریوی حداکثری بسیار هزینه‌ساز خواهد بود و می‌تواند به معنای ورود به حرکت در منطقه کور و نامعلوم و چه بسا حکم عملیات انتحاری را داشته باشد. اما ابهام اصلی واقعیت و عده عقب‌نشینی محدود ترامپ و یا بفرض آن که به مکرون چراغ سبز نشان داده باشد، ثابت آن و کلا دشواری این عقب‌نشینی برای کسی که با حربه قدرت نمائی حداکثری وارد میدان شده، بویژه با توجه به حضورکسانی در اطرافش که خودی صراحتاً آن‌ها را بازهای جنگ طلب خوانده است.

تقی روزبه ۰۹/۰۷.۲۰۱۹